

جاسوس میلیارد دلاری



ستون
پنجم



داستانی واقعی از کودتاه
و خیانت در جنگ سرد

دیوید ای. هافمن
امیر مرزبان





سرشناسه: هافمن، دیوید امانوئل

Hoffman, David E. (David Emanuel)

عنوان و نام پدیدآور: جاسوس میلیارد دلاری: داستانی واقعی از توطئه و خیانت در جنگ سرد / نویسنده: دیوید ای. هافمن / مترجم: امیر مرزبان.

مشخصات نشر: تهران: نشر خوب، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص. ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۲۳-۳۴-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت عنوان اصلی: The Billion Dollar Spy: A True Story of Cold War Espionage and Betrayal, [2015].

موضوع: تولکاکف، آدولف، ۱۹۸۶ - ۱۹۲۷ م. / Tolkachev, Adolf

موضوع: سازمان سیا - تاریخ - قرن ۲۰ م. / United States. Central Intelligence

Agency -- History -- 20th century.

موضوع: جاسوسان - ایالات متحده - سرگذشتنامه / Spies -- United States

-- Biography

موضوع: جاسوسان - روسیه (فدراسیون) - مسکو - سرگذشتنامه

موضوع: Spies -- Russia (Federation) -- Moscow -- Biography

موضوع: مهندسان - روسیه شوروی - سرگذشتنامه

Engineers -- Soviet Union -- Biography

موضوع: هواپوردهی - روسیه شوروی - تاریخ

موضوع: Aero. units -- Research -- Soviet Union -- History

موضوع: جاسوسی آمریکا - روسیه شوروی - تاریخ

موضوع: Espionage, American -- Soviet Union -- History

موضوع: جنگ سرد / Cold War

موضوع: روسیه شوروی - روابط خارجی - ایالات متحده

موضوع: Soviet Union -- Foreign relations -- United States

شناسه افزوده: مرزبان، امیر، ۱۳۴۴ - مترجم

شناسه افزوده: Marzban, Amir

رده بندی کنگره: E۸۴۰/۸

رده بندی دیویی: ۳۲۷/۱۲۰۹۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۷۶۱۹۰۳۸

۹۱۱۵۳۰۱



جاسوس میلیار دلاری

داستانی واقعی از توطئه و خیانت در جنگ سرد

نویسنده: دیوید ای. هافمن

مترجم: امیر مرزبان

ناظر محتوایی: حیدر خسروی

ویراستار: مرجان مهدی پور

ویراستار فنی: فریدالدین سلیمانی - زهرا فرهادی مهر

مدیر خلاقیت: فرخنده رضایی

طراح یونیفرم جلد و گرافیک متن: ابراهیم کاشانی

طراح جلد: ابراهیم کاشانی

آماده سازی و صفحه آرایی: شهرزاد شاه حسینی - مینا فیضی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۶-۳۴-۷۵۴۳-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول-۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

قیمت: ۷۳۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



■ فهرست

۱۹	پیش درآمد
۱۵	فصل اول: رهایی از برهوت
۲۳	فصل دوم: مفر مسکو
۵۷	فصل سوم: مردی به نام گره
۷۵	فصل چهارم: «بالاخره به هم رسیدیم»
۹۷	فصل پنجم: قلباً دگرانديش
۱۱۱	فصل ششم: شش رقمی
۱۲۳	فصل هفتم: دوربین جاسوسی
۱۳۵	فصل هشتم: بادآورده ها و خطرات
۱۶۳	فصل نهم: جاسوس میلیارد دلاری
۱۷۳	فصل دهم: پرواز به اوتوپیا
۱۹۵	فصل یازدهم: رفتن به محاق
۲۰۹	فصل دوازدهم: تمهیدات و تمایلات
۲۲۶	فصل سیزدهم: گذشته عذاب آور
۲۴۹	فصل چهاردهم: همه کارها خطرناک اند
۲۷۵	فصل پانزدهم: دستتان به زنده من نمی رسد
۲۸۷	فصل شانزدهم: بذره های خیانت
۲۹۹	فصل هفدهم: مسلط بر احساسات
۳۱۱	فصل هجدهم: فروختن جاسوس
۳۱۷	فصل نوزدهم: بدون اخطار قبلی
۳۳۰	فصل بیستم: فرار
۳۳۷	فصل بیست و یکم: به خاطر آزادی
۳۴۱	سخن پایانی
۳۵۳	یادداشتی در باب اطلاعات
۳۵۹	درباره نویسنده

■ پیش درآمد

جاسوس ناپدید شده بود.

او موفق‌ترین و ارزشمندترین جاسوسی بود که ایالات متحده در این دو دهه در خاک اتحاد جماهیر شوروی به خدمت گمارده بود. اسناد و مدارکش از اسرار رادارهای شوروی پرده برداشته و برنامه تحقیقات جنگ افزار دهه آینده این کشور را برملا کرده بود. برای انتقال پنهانی بوردهای مدار و نقشه‌های ساخت به خارج از لایراتوار نظامی و تحویل آن به سازمان اطلاعات سیا مخاطرات دهشتناک بسیاری را متحمل شده بود. به یمن جاسوسی او، ایالات متحده در جنگ‌های هوایی دست بالا را در اختیار گرفت و رخنه‌پذیری دفاع هوایی شوروی به اثبات رسید؛ آمریکایی‌ها فهمیدند که موشک‌های کروز و بمب افکن‌هایشان می‌توانند در نقاط کور رادارهای شوروی پرواز کنند. اواخر پاییز و اوایل زمستان سال ۱۹۸۲، سازمان سیا ارتباط خود را با جاسوس از

دست داد. او در پنج قرار ملاقات حاضر نشده بود. ماه‌ها سپری شد. در ماه اکتبر، تلاش کردند طبق برنامه با او ملاقات کنند، اما به دلیل مراقبت شدید کا.گ. ب^۱ در سطح شهر موفق نشدند. حتی افسران فوق مخفی مقرسیا در شوروی، که برای کا.گ. ب ناشناس بودند، نیز نمی‌توانستند کا.گ. ب را دور بزنند. در بیست و چهارم نوامبر، یک افسر فوق مخفی، که لباس مبدل ساده‌ای پوشیده بود، از تلفن عمومی به آپارتمان جاسوس زنگ زد، اما فرد دیگری گوشی را برداشت. افسر گوشی را گذاشت. غروب هفتم دسامبر، که مصادف بود با قرار بعدی، سرنوشت عملیات در دستان بیل پلانکرت^۲ بود. پلانکرت، پس از دوره کوتاه خدمت در هواپرد، به سیا ملحق شد و برای انجام عملیات مخفی تعلیم دید. سی و چند سال داشت، قدش یک متر و هشتاد بود و در فصل تابستان برای ارتباط با جاسوس به مأموریت مسکو اعزام شد. با دقت هرچه تمام‌تر، پرونده‌ها را مطالعه و همه نقشه‌ها و عکس‌ها را بررسی کرد، تلگراف‌ها را خواند و با افسران پرونده صحبت کرد. اگرچه تا آن لحظه جاسوس را حضوری ملاقات نکرده بود، احساس می‌کرد او را می‌شناسد. مأموریتش فرار از حلقه تعقیب و مراقبت کا.گ. ب و برقراری تماس با جاسوس بود.

چند روز قبل، با استفاده از خطوط تلفن محلی که می‌دانستند کا.گ. ب آن را شنود می‌کند، جشن تولدی را غروب سه شنبه در آپارتمانی ترتیب دادند. آن شب، حوالی وقت شام، چهار نفر در محوطه پارکینگ سفارت ایالات متحده سوار خودرو شدند. سربازان یونیفرم پوش شوروی، که بیرون سفارت ایستاده بودند، چشم از آن‌ها برنمی‌داشتند و لحظه به لحظه اوضاع را به کا.گ. ب گزارش می‌دادند. یکی از آن چهار نفر کیک تولدی در دست داشت. هنگامی که خودرو سفارت را ترک کرد، زن مستقر در صندلی عقب، پشت راننده، کیک تولد را روی پاهای خود گذاشته بود.

راننده خودرو کسی نبود جز رئیس مقرسیا. پلانکرت در صندلی جلو و کنار راننده نشسته بود و همسران این دو در صندلی عقب. همه آن‌ها قبل از نقشه را مرحله به مرحله و با شبیه‌سازی موقعیت صندلی‌ها در مقر مسکو تمرین کرده بودند. اکنون نمایش واقعی در حال اجرا بود.